Defense Policy

129

Vol. 33
Winter 2024
P.P: 11-35

Research Paper

Received:
2023-10-29
Revised:
2023-12-26
Accepted:
2023-12-27
Published:
2025-03-04

ISSN: 1025-5087
E-ISSN: 2654-4971

Feasibility of intelligence invasion in religious sources

Mahdi Roohi[1] | Hadi Tajik[2]

Abstract

The current research aims to assess the feasibility of information invasion in religious sources. Information invasion as one of the new approaches in the field of information is a demand that was proposed by the Supreme Leader. The newness of this problem doubled the necessity of producing literature in this field. It was after its design that its nature, dimensions and components were subjected to research studies. One of the important issues in the field of information invasion is its comparison with religious texts and sources. Although the religious explanation of information invasion requires deep ijtihad research in the traditional way of seminaries, but this research has tried to assess the feasibility of information invasion as a jurisprudential issue. In this direction, after providing a definition of information invasion and identifying its dimensions and levels as a matter of jurisprudence, it has been tried to study its jurisprudential implications from sources of ijtihad, i.e. the Holy Quran, the Sunnah and the intellect. The findings of the research show that information invasion is possible in terms of occurrence and any level of information invasion can be presented to religious sources and its response can be received from Sharia.

Keywords: intelligence invasion; jurisprudence; sources of jurisprudence; foreign policy.

1. Corresponding author: PhD student in Regional Studies, Imam Hossein University, Tehran, Iran
2. Assistant Professor, Imam Hossein University, Tehran, Iran
DOR: 20.1001.1.10255087.1403.33.129.1.8

Publisher: Imam Hussein University

امکان سنجی تهاجم اطلاعاتی در منابع دینی

مهدی روحی[۱] | هادی تاجیک[۲]

سال سی و سوم
زمستان ۱۴۰۳
صص: ۳۵-۱۱

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۰۷
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۱۰/۰۵
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۰۶
تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۲/۱۴

شاپا چاپی: ۵۰۸۷-۱۰۲۵
الکترونیکی: ۴۹۷۱-۲۶۵۴

چکیده

پژوهش حاضر در صدد امکان سنجی تهاجم اطلاعاتی در منابع دینی است. تهاجم اطلاعاتی به عنوان یکی از رویکردهای نوین در حوزه اطلاعات مطالبه ای است که توسط مقام معظم رهبری طرح شد نو بودن این مسئله ضرورت تولید ادبیات در این حوزه را دو چندان می کرد. پس از طرح آن بود که چیستی، ابعاد و مولفه های آن مورد مطالعات پژوهشی قرار گرفت. یکی از مسائل مهم در حوزه تهاجم اطلاعاتی نسبت سنجی آن با متون و منابع دینی است. اگر چه تبیین دینی تهاجم اطلاعاتی نیاز به پژوهش عمیق اجتهادی به روش مرسوم حوزه‌های علمیه دارد ولی این پژوهش سعی کرده تهاجم اطلاعاتی را به مثابه یک مسئله فقهی امکان سنجی نماید. در این مسیر، پس از ارائه تعریفی از تهاجم اطلاعاتی و شناسایی ابعاد و سطوح آن به مثابه موضوع فقه ، از روش اجتهادی دلالت محور سعی شده دلالتهای فقهی آن از منابع اجتهادی یعنی قرآن کریم، سنت و عقل مورد مطالعه قرار بگیرد. یافته های پژوهش نشان می دهد تهاجم اطلاعاتی به لحاظ وقوعی دارای امکان است و می توان هر یک از سطوح تهاجم اطلاعاتی را به منابع دینی عرضه و پاسخ آن را از شریعت دریافت نمود.

کلیدواژه‌ها: تهاجم اطلاعاتی؛ فقه؛ منابع فقه؛ سیاست خارجی

۱. نویسنده مسئول: دانش آموخته دکتری مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه جامع امام حسین(ع)، تهران، ایران
roohi1@chmail.ir
۲. استادیار دانشگاه جامع امام حسین(ع)، تهران ، ایران

DOR: 20.1001.1.10255087.1403.33.129.1.8

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)

مقدمه

پویایی یکی از ویژگی های منحصر به فرد حوزه اطلاعات است، چرا که اگر یکی از کارکردهای حوزه اطلاعات دفع تهدیدهای یک نظام سیاسی باشد، طبیعتا تهدیدهایی که یک نظام سیاسی با آن مواجه است سیّال و پویا خواهد بود و به فراخور تنوع تهدیدها، پاسخ به تهدیدها نیز روش ها و شیوه های نو می طلبد. علاوه بر این، امروزه سازمانهای اطلاعاتی، علاوه بر اینکه یک ماموریت ذاتی، تدافعی برای خود در نظر گرفته اند، رویکردهای تهاجمی نیز داشته و دارند. یعنی عوض کردن زمین بازی برای حداکثر سازی منافع یکی از رویکردهای نوین در جامعه اطلاعاتی است. و در مقابل رویکرد تدافعی، اتخاذ شیوه های تهاجمی را بعنوان ابتکار عملی برای حداکثر سازی منفعت بکار می گیرند.

جامعه اطلاتی جمهوری اسلامی ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست. از آنجایی که انقلاب اسلامی ایران مدل نوینی از سیاست ورزی را مبنای حرکت خود قرار داده است و با شعار کلیدی «نه شرقی و نه غربی» و با تاکید بر آموزه های ناب دینی، مدلی از سیاست ورزی را ارائه داد که در نوع خود بی بدیل و نو است و در قالب سیاست ورزی دینی در مقابل سیاست وزی انسان محور نشست. به تبع این شکل از سیاست ورزی تقابل آشکار با جریان غالب نظام بین الملل بود و از همین زاویه، نظام بین‌الملل در صدد مواجهه مستقیم با نظام جمهوری اسلامی بر آمد و انواع تهدیدهای آشکار و پنهان برای تضعیف و نابودی جمهوری اسلامی را به کار بست. در این وضعیت مهم ترین کارکرد جامعه اطلاعاتی نوپای جمهوری اسلامی، مقابله و مواجهه با تهدیداتی بود که از جانب سلطه به ملت و دولت ایران تحمیل می شد. به بیان بهتر به لحاظ ماهیت نظام بین الملل و نوع تهدیدهایی که از جانب نظام سلطه علیه جمهوری اسلامی ایران تحمیل می شد، رویکرد کلان جامعه اطلاعاتی نیز از نوع تدافعی و مقابله ای بود.

اما اینک جمهوری اسلامی پس از چهل سال تجربه اندوزی در حوزه اطلاعات و امنیت، توانسته بر تهدیداتی که از ابتدای انقلاب اسلامی ماهیت جمهوری اسلامی را به چالش می کشید مواجه شده و دشمن را در عناد خود ناکام گذارد و اینک پس از تثبیت و تحمیل خود به عنوان یک قدرت منطقه‌ای، اراده خود را بر رقبای منطقه ای و حتی بین‌المللی تحمیل نماید. بدیهی است

این وضعیت در رویکرد جامعه اطلاعاتی نیز باید مشهود باشد. به همین منظور مقام معظم رهبری به عنوان ریل گذار کلان و سیاستگذار راهبردی کشور، اتخاذ رویکرد تهاجمی در حوزه اطلاعات و امنیت را از جامعه اطلاعاتی مطالبه نمودند: « اگر کسی در لاک دفاعی رفت شکست خورده، باید تهاجم کرد. تهاجم کردن معنایش این نیست که دفاع نکنیم، معنایش این است که ماوراء دفاع، یک حرکت تهاجمی باید انجام بگیرد به دشمن. آن وقت، دشمن آرام می گیرد. در همه این اقدامات باید این را در نظر داشت.» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۹/۱۲/۱۲)

در این صورت دستور مقام معظم رهبری به عنوان راهبرد کلان جامعه اطلاعاتی باید مورد تبیین، تحلیل و بکارگیری قرار گیرد. به همین منظور، پژوهش هایی درباره چیستی و چگونگی تهاجم اطلاعاتی صورت گرفته و سعی شده است که ابعاد و زوایای تهاجم اطلاعاتی مورد تدقیق علمی قرار گیرد. اما نکته مهم دیگری که نیاز به کنکاش و دقت نظر دارد، تظبیق و تبیین تهاجم اطلاعاتی از منظر دینی است. به بیان بهتر از آنجایی که ماهیت جمهوری اسلامی یک نظام مبتنی بر ارزشهای اسلامی و دینی بوده و همانگونه که در اصل اول قانون اساسی جمهوری اسلامی تصریح شده « جمهوری اسلامی نظامی است بر پایه ایمان به ۱. خدای یکتا (لا اله الا الله) و اختصاص حاکمیت و تشریع به او و لزوم تسلیم در برابر امر او. ۲. وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین. ۳. معاد و نقش سازنده ان در سیر تکاملی انسان به سوی خدا و... که از راه اجتهاد مستمر فقهای جامع الشرایط بر اساس کتاب و سنت معصومین سلام الله علهم اجمعین و استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته بشری و تلاش در پیشبرد آنها مصالح کشور را تامین می کند» (فتحی،۱۳۹۷: ۱۱) نیز در برخی اصول دیگر تصریح شده است «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است...» (فتحی،۱۳۹۷: ۱۵) علاوه بر اینکه قوانین و مقررات جمهوری اسلامی باید منطبق بر شریعت مقدس اسلام باشد، جهت گیری های کلان کشور در همه حوزه های اقتصادی، سیاسی و حتی امنیتی نیز باید بر مدار شریعت مقدس اسلام بگردد. از این زاویه ورود به بحث تهاجم اطلاعاتی از منظر دینی ضرورت می یابد. البته ناگفته پیداست اگر چه تبیین نسبت تهاجم اطلاعاتی با شریعت مقدس اسلام یک بحث کاملا اجتهادی است که نیامند مقدمات اجتهاد مرسوم در حوزه های علمی است

ولی، صاحب این قلم که آشنا به مباحث فقهی و اجتهادی است سعی دارد در این نوشتار یک امکان سنجی طرح تهاجم اطلاعاتی در متون و منابع دینی انجام دهد که به عنوان طلیعه و طرح بحثی عمیق در حوزه اجتهادی تهاجم اطلاعاتی باشد.

به همین منظور، پس از تعمق نسبی در معنا و مفهوم تهاجم اطلاعاتی، سعی خواهد شد ظرفیت های دینی و فقهی طرح تهاجم اطلاعاتی را مورد کنکاش قرار دهد.

روش تحقیق و چارچوب مفهومی

از آنجا که مسئله پژوهش امکان سنجی تهاجم اطلاعاتی در منابع دینی است، سعی شده با روش اجتهادی دلالت محور(بابایی، ۱۳۸۹: ۸۶) منابع و متون دینی که شامل کتاب، سنت، عقل واجماع است مورد کنکاش قرار بگیرد و ظرفیت های موجود که می تواند درباره خوانش تهاجمی از اطلاعات سودمند باشد مورد بررسی قرار گیرد. منظور از روش اجتهادی دلالت محور دلالت مفهومی متون و منابع دینی است که تا حد امکان استقراء گردیده و با ابعاد و مولفه های تهاجم اطلاعاتی مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت.

چارچوب مفهومی برای پرداختن به همه ابعاد و زوایای تهاجم اطلاعاتی در متون و منابع دینی مبتنی بر ابعاد، مولفه ها و رویکردهای تهاجمی در اطلاعات عاریه گرفته شده است. در همین راستا ظرفیت های منابع دینی درحوزه تهاجم اطلاعاتی در سه سطح شناختی، زیرساخت اطلاعاتی و شبه نظامی و امنیتی مورد دسته بندی و بکارگیری شده است.

پیشینه تحقیق

همانگونه که اشاره شد رویکرد تهاجمی در اطلاعات ترکیبی نو از دو مفهوم تهاجم و اطلاعات است که چندان در مجامع علمی و آکادمی داخلی سابقه ندارد و تنها پس از بیانات مقام معظم رهبری در سال ۱۳۹۷ بود۱ که وارد ادبیات اطلاعاتی کشور گردید. به تبع، آثار و تولیدات

۱. مقام معظم رهبری: «باید در این جنگ [اطلاعاتی] و در مقابل برنامه‌های جبهه مقابل ایستاد و برای غلبه بر دشمن، علاوه بر دفاع باید برنامه تهاجم نیز داشت به گونه‌ای که زمین بازی به وسیله دستگاه اطلاعاتی ما تعیین شود» (مقام معظم رهبری، ۲۹ فروردین ۱۳۹۷) قابل دسترس در : https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=39413.

عمیقی در این حوزه انجام نشده است و می توان ادعا کرد در حوزه تهاجم اطلاعاتی در حوزه تولید ادبیات هنوز در ابتدای راه قرار دارد. در عین حال آثار محدودی که در این زمینه تولید شده به قرار زیر است:

فضائلی(۱۳۸۷) در نبرد اطلاعاتی، جنگ در عصر اطلاعات، سعی کرده به شیوه های نوین جنگ که جنگ اطلاعاتی است اشاره کند و ضرورت پرداختن به جنگ اطلاعاتی در دوره جدید را گوشزد نماید.

تاجیک و محمدی(۱۴۰۰) در « درآمدی بر تهاجم اطلاعاتی، مفهوم شناسی نظری و هستی شناسی کارکردگرایانه » سعی کرده اند به تولید ادبیات درباره معنا و مفهوم تهاجم اطلاعاتی بپردازند. می توان گفت اولین اثر تولید شده به زبان فارسی همین کتاب می باشد.

تاجیک و کیانی(۱۴۰۰) در مقاله ای با عنوان «مفهوم شناسی رویکرد تهاجمی به اطلاعات» درباره تهاجم اطلاعاتی مفهوم شناسی کرده اند و با بررسی آثار در دیگر زبان های سعی نموده اند تعریفی از تهاجم اطلاعاتی ارائه دهند.

معنا و مفهوم تهاجم اطلاعاتی

اصطلاح تهاجم اطلاعاتی واژه‌ای نو و ترکیبی بدیع است. اصولا تا پیش از اهتمام مقام معظم رهبری به رویکرد تهاجمی به اطلاعات، چنین ترکیبی در ادبیات مفهومی جامعه اطلاعاتی ایران کمتر وجود داشته است. تنها پس از توصیه های مقام معظم رهبری در سخنرانی ۲۹ فروردین ۱۳۹۷ بود[۱] که برخی در صدد شناسایی و تبیین مفهوم تهاجم اطلاعاتی بر آمده و طی پژوهش‌های محدودی به این حوزه پرداخته‌اند. به همین خاطر ادبیات تولید شده در این حوزه نیز نوپا و جدید است. از طرف دیگر این پژوهش نیز عمدتاً بر مبنای شناخت «فقه اطلاعاتی» استوار است و قرار نیست که به طور تخصصی به معناکاوی تهاجم اطلاعاتی بپردازد. لذا سعی می‌کند از ادبیات تولیدشده به یک معنای متفق‌علیه دست یابد تا بتواند به طور مطلوب در منابع دینی معناکاوی نماید. به همین منظور به مثابه پیشینه پژوهش به ادبیات تولید شده در این زمینه اشاره خواهد شد.

از جمله پژوهش هایی که در حوزه تهاجم اطلاعاتی به معناکاوی این اصطلاح پرداخته است را کیانی و تاجیک انجام داده اند.(کیانی و تاجیک،۱۴۰۰: ۷۳) در این پژوهش نویسندگان سعی

۱. جهت مشاهده متن بیانات ر.ک: https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=39413

کرده‌اند با گردآوری داده‌های آشکار از منابع لاتین، به فهمی از معنا و مفهوم تهاجم اطلاعاتی دست پیدا کنند. نویسندگان بر این باورند که در حوزه متون انگلیسی نیز به وضوح ردی از اصطلاح تهاجم اطلاعاتی را نمی‌توان یافت. به ناچار باید ادبیات نزدیک به تهاجم اطلاعاتی یعنی حوزه‌های اقدام پنهان و اطلاعات نظامی که قرابت نسبی دارند را مورد واکاوی قرار داد.

البته در خصوص مفاهیم نزدیک مثل نبرد اطلاعاتی یا جنگ اطلاعاتی ادبیات قابل توجهی تولید شده است که می‌تواند به مثابه پایه و اساسی برای پردازش مسئله فوق باشد. به عنوان مثال، فضائلی نبرد اطلاعاتی را «دست‌یابی و برتری اطلاعاتی در منازعات سیاسی، اقتصادی یا نظامی در عرصه بین‌المللی در عصر پیشرفت‌های تکنولوژیک و فناوری» تعریف کرده است(فضائلی،۱۳۸۷: ۶۴) که به نظر می‌رسد این تعریف با توجه به فضای گسترش زیست مجازی ارائه شده است. بدین ترتیب که با بکارگیری فناوری‌های نوین و مبتنی بر داده‌های اطلاعاتی، دست برتر را سازمان‌های اطلاعاتی داشته باشند. با گسترش فضای مجازی، طبیعتا تهاجم اطلاعاتی نیز بر این حوزه تمرکز کرده است. برخی موسسات پژوهشی وابسته به نهادهای امنیتی نیز در این حوزه تعاریفی از تهاجم اطلاعاتی ارائه داده‌اند. در ادامه برای بررسی مفهوم تهاجم اطلاعاتی ابتدا سعی می‌شود سابقه تعابیر و تعاریف نزدیک به این مفهوم در دیگر متون بررسی شود. مطالعه مرور ادبیات مرتبط با مفهوم تهاجم اطلاعاتی، تعاریف متعدد ولی نزدیک به یکدیگر را نشان می‌دهد.

۱- مقاله «تهاجم اطلاعاتی: نبرد اطلاعاتی در ۲۰۲۵» به پیش‌بینی امنیت سایبری دولت آمریکا در قرن بیست‌ویکم پرداخته و رویکرد تهاجمی در اطلاعات را نوعی برتری اطلاعاتی قلمداد کرده که در بستر فناوری اطلاعات، به "اختلال در فرآیند شناختی هدف" منجر می‌شود(Stein, 1996, 7).

۲- پژوهش‌گران مؤسسه رَند در فصل پایانی کتاب «ارزیابی راهبردی: تغییر نقش اطلاعات در جنگ» که به تبیین تأثیر فناوری‌های اطلاعاتی بر نبردهای نظامی پرداخته، تهاجم اطلاعاتی را "ضربه مخفیانه به نخبگان" دانستند. طبیعتا اگر ضربه مخفیانه به نخبگان مد نظر باشد باید دید چرا از میان انبوه طیف مخاطب چرا بر نخبگان تاکید کرده است. به نظر می‌رسد تاکید بر نخبگان بخاطر مرجعیت آنان بوده باشد. (Libicki, 1999, 450).

۳- مقاله «دست‌یابی به تاب‌آوری اطلاعاتی» به تبیین چگونگی مقابله با تهاجم سایبری می‌پردازد و برای مقابله، تاکتیک «دفاع از عمق» را پیشنهاد می‌دهد. بدین معنا که به جای رویکرد واکنشی تشخیص و مقابله با تهاجم، در پی ارزیابی و سپس اقدام پیش‌دستانه در عمق راهبردی فراتر از مرزهای سیستم باشیم. بنابراین مشخص می‌شود تهاجم اطلاعاتی "حمله‌ای به درون سیستم" قلمداد می‌شود(Zavidniak, 1999, 8).

۴- نویسنده کتاب «جنگ اطلاعات و امنیت» معتقد است جنگ اطلاعاتی عملیاتی با «حاصل جمع صفر» است که مخازن، حاملان، حس‌گرها، ضبط‌کننده‌ها و یا پردازش‌گرهای اطلاعاتی را هدف قرار می‌دهد تا "محرمانگی، جامعیت و یا دسترس‌پذیری اطلاعات" مهاجم را افزایش و آن را برای طرف مقابل کاهش دهد(دنینگ، ۱۳۸۳، ۲۳).

رویکرد تهاجم اطلاعاتی در عرصه امنیتی، بدواً معطوف به اثرگذاری بر قوه تحلیل جامعه هدف به ویژه نخبگان اجتماعی تعریف شده بود. به گونه‌ای که می‌توان آن را مترادف جنگ نرم یا در ابعاد فنی‌تر، عملیات روانی قلمداد کرد. به همین دلیل می‌توان تعریف اولیه از تهاجم اطلاعاتی را چنین بیان کرد:«ضربه‌ای مخفی به نخبگان سیستم حریف که با کاهش محرمانگی، جامعیت و دسترس‌پذیری اطلاعات، به اخلال در فرآیند شناختی آنها منجر شود.» ویژگی اصلی این تعریف از منظر کارکردی، هدف‌مندی تهاجم به تأثیر بر روال آگاهی حریف از محیط است. این مسأله می‌تواند با هدف‌گیری بخش‌هایی از روند جمع‌آوری اطلاعاتی و یا ارزیابی آن در چرخه اطلاعاتی محقق شود. ولی به مرحله تغییر رفتار ورود نمی‌کند. با این حال، به تدریج ورود سرویس‌های اطلاعاتی به این حوزه، هم مخاطب را از منظر سطح اقتدار و هم روش را از نظر دقت هدف‌گذاری ارتقا داد به نحوی که تهاجم اطلاعاتی با کنترل محیط تصمیم‌گیری حریف و تسلط بر ادراک مقام‌های مؤثر و تصمیم‌ساز، اولاً منجر به سلب ابتکار عمل مقام‌های تصمیم‌ساز در ساختار دولت یا گروه‌های فراملی/فروملی حریف شده که در واقع به مرحله تغییر رفتار می‌رسد و ثانیاً با اخلال در فرآیند شناختی و ادراکی می‌خواهد وی را تحت تسلط اراده خودی گرفتار نموده و او را به سوی تصمیمی سوق دهد که به‌واقع مطلوبیت مهاجم است ولی وی آن را به مثابه مطلوبیت خود تصور خواهد کرد. پس این تغییر رفتار نیز در اتخاذ تصمیم مطلوب مهاجم نمود می‌یابد. تعاریفی که این بخش از مفهوم تهاجم اطلاعاتی را توسعه دادند به شرح زیر است:

۱- اساتید دانشگاه‌های امنیتی و نظامی غرب در تعاریفی، تهاجم اطلاعاتی را "سلب ابتکار عمل دشمن" (Welch, 1999, 50) و "نفوذ بر تصمیم‌گیران انسانی" (Woodcock, 1999, 172) تبیین کردند که وجه پُررنگی از تأثیرگذاری بر تصمیم طرف مقابل را معنا می‌کنند.

۲- یکی از پژوهش‌گران ارشد پنتاگون، در توسعه این تعریف، اثرگذاری بر تصمیم قربانی را با تعبیر "پذیرش مطلوبیت‌های مهاجم به مثابه منافع خودی" تعریف می‌کند(Waltz, 2000, 5). این تعریف را می‌توان عالی‌ترین سطح اثرگذاری بر حریف عنوان کرد که کاملاً در راستای منافع مهاجم عمل می‌کند.

ازآنجا که تولید ادبیات تهاجم اطلاعاتی در ابتدای راه قرار دارد، نمی‌توان مدعی تعریف کاملی شد. می توان گفت قلب مفهوم تهاجم اطلاعاتی را در این جمله استفان گابریل کارشناس اطلاعاتی و استاد دانشگاه رومانی قابل درک است که گفته رویکرد تهاجمی در حوزه های اقتصادی، فرهنگی، سایبری و اطلاعاتی انواع جنگ های جدید با هدف "غلبه بر ذهن و تغییر نگرش تصمیم گیران" طرف مقابل صورت می گیرد. (gabriel,2016: 7)

با توجه به موارد مذکور می‌توان تهاجم اطلاعاتی را چنین تعریف کرد:

«نوعی حمله پیش‌دستانه به چرخه اطلاعاتی منتج به تصمیم‌سازی دولت/سازمان‌های متحد، مؤتلف، رقیب یا متخاصم که به هدف مدیریت ادراک و تغییر محاسبات آن، زمین بازی را مطابق منافع خودی طراحی می‌کند و به تغییر رفتار طرف مقابل به شکل اتخاذ تصمیم مطلوب مهاجم بیانجامد»

ابعاد و مولفه ای تهاجم اطلاعاتی

با توجه به تعریف ارائه شده حوزه اقدام در تهاجم اطلاعاتی می تواند وسیع باشد و شامل طیفی از اقدامات نرم و نیمه سخت تا سخت را در خود قرار دهد. همچنین از تاکتیکی ترین سطح که در حوزه اقدام است تا کلان ترین سطح آن یعنی حوزه ادراکی و شناختی سیاستگذاران و تصمیم گیران توسیع می یابد به لحاظ جغرافیای فعالیت نیز تهاجم اطلاعاتی در حوزه سرزمینی حریف در سه سطح ملی، منطقه ای و فرامنطقه ای اجرا می شود. به عبارتی، هر جا که قلمرو فعالیت حریف و منافع او باشد، مورد هجوم قرار می گیرد. از این رو، شناسایی و تعیین نشانگاه های حریف در فراسوی مرزهای جغرافیایی آن از ضرورتی حیاتی برخوردارند. تهاجم اطلاعاتی

تاکتیکی (قلمرو فیزیکی) عمدتا از شیوه های سخت و در تهاجم اطلاعاتی راهبردی عمدتا از شیوه های نرم (قلمرو ادراکی) استفاده می شود. با اینکه نشانگاه اصلی اطلاعات مدرن، افکار عمومی است، بالاترین سطح هدف تهاجم اطلاعاتی، درک انسانی تصمیم‌گیرندگان، سیاستگذاران، فرماندهان نظامی و حتی همه مردم حریف می‌باشد.

سطوح تهاجم اطلاعاتی

برای نسبت سنجی تهاجم اطلاعاتی با متون منابع دینی ضرورت دارد ابعاد و شاکله کلی تهاجم اطلاعاتی احصاء و این نسبت سنجی به طور منطقی تبیین شود. برخی سطوح تهاجم اطلاعاتی در در سه سطح ادراکی و شناختی، زیر ساختی و سایبری و شبه نظامی و امنیتی سطح ترسیم کرده اند (تاجیک و محمدی، ۱۴۰۰: ۱۵۵) که در شکل زیر قابل مشاهده است:

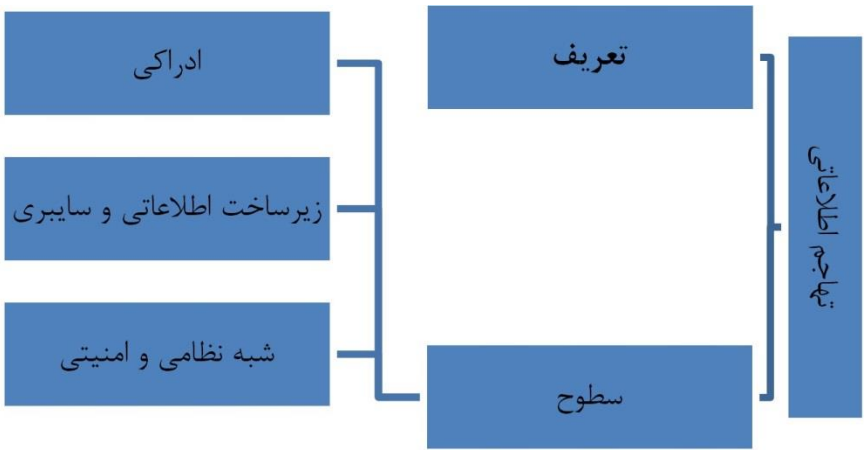

مهم ترین سطح در تهاجم اطلاعاتی در حوزه ادراکی و شناختی تعریف می شود. منظور از حوزه ادراک و شناخت دست‌کاری اطلاعات برای تغییر افکار و رفتار است. بن نورتون در مقاله‌ای تحت عنوان «پشت "جنگ شناختی" ناتو: "نبرد برای مغز شما" توسط ارتش‌های غربی به راه انداخته‌شده است» (بن نورتون :۲۰۲۱: ۲) به این موضوع می‌پردازد که ناتو درحال‌توسعه اشکال جدیدی از جنگ برای به راه انداختن یک "نبرد برای مغز" است.کارتل نظامی ناتو به رهبری ایالات‌متحده، شیوه‌های جدیدی از جنگ ترکیبی را علیه دشمنان خود ازجمله جنگ اقتصادی، جنگ سایبری، جنگ اطلاعاتی و جنگ روانی آزمایش کرده است و اکنون، ناتو درحال‌توسعه نوع کاملاً جدیدی از نبرد است که نام آن را جنگ شناختی گذاشته است.

این روش جدید که به‌عنوان «سلاح سازی علوم مغز» توصیف می‌شود، شامل «هک کردن افراد» با بهره‌برداری از «آسیب‌پذیری مغز انسان» به‌منظور اجرای «مهندسی اجتماعی» پیچیده‌تر است. در این صورت«مغز» میدان نبرد قرن بیست و یکم خواهد بود. لذا جنگ شناختی می تواند مخرب تر از هر عامل دیگری جوامع را دگرگون کند. در این مدل، با تاثیرگذاری بر تصمیم گیران و افرادی که به مثابه قوه عاقله دستگاه محاسباتی یک سیستم هستند بر سیستم رقیب یا حریف تاثیر خواهد گذاشت. برخی وجوه تقابل شناختی مردم پایه بوده و بر ذهن توده های مردم نیز طراحی می گردد.

حوزه دوم حوزه زیرساختی اطلاعاتی و سایبری است. در این حوزه سیستم اطلاعاتی سعی میکند زیرساختهای اطلاعاتی خود را بسط دهد یکی از زیر ساختها شبکه حامیان است یعنی تشکیل شبکه ای از عناصر خود در جامعه هدف شبکه سازی و مدیریت آن را بدست گیرد. برخی از شبکه سازی تعبیر به نفوذ جریانی آورده اند. به همین منظور شبکه سازی تلاش هدفمند برای ایجاد سازمان، نهاد و گروههای مورد حمایت و حلقه های ارتباطی برای انتصاب در پستهای کلیدی و حتی تلاش برای ایجاد جنبشهای فکری و اجتماعی برای دستیابی به اهداف بدون مداخله مستقیم صورت می گیرد(محمدی و تاجیک،۱۴۰۰: ۲۰۹) مثلا طرح «شبکه مسلمانان میانه رو» در کتابی تحت همین عنوان توسط آنجل راباسا و همکارانش در موسسه مطالعاتی «رند» ارائه شده در همین راستا تحلیل می شود (Rabasa,2007: 11) «رند» موسسه مطالعاتی است که مشاوره های تخصصی در حوزه امنیت به نهادهای امنیتی ایالات متحده می دهد؛ در دیباچه این کتاب آورده است که ایده شبکه مسلمانان میانه رو برگرفته از الگوی موفق ایالات متحده در فروپاشی شوروی است. این طرح، در کشورهای اسلامی به دنبال تضعیف جریانهای مخالف با دموکراسی مطابق با ارزشهای غربی و تقویت شبکه ای از مسلمانان حامی دموکراسی است. (Rabasa,2007: 11) دیگری «شبکه رهبران جوان » است که با بودجه رسمی صهیونیستها تشکیل شده است و زیر نظر وزارت امور خارجه امریکا فعالیت می کند.

در بعد عملیات تهاجم سایبری نیز توجه به معنا و مفهوم اقدام پنهان ضرورت دارد. چرا که تهاجم سایبری از جنس اقدام پنهان بوده و منظور از اقدام پنهان مجموعه ای از فعالیتها به صورت پنهان و غیر آشکار در جهت نفوذ سیاسی اقتصادی و نظامی است که بر هدف اعمال می شود. البته باید میان اطلاعات سایبری با تهاجم سایبری تفکیک قائل شد. اطلاعات سایبری با هدف بنیادین

جمع آوری داده تمرکز دارد ولی در تهاجم سایبری تاثیرگذاری برای تغییر یک هدف مد نظر قرار می گیرد.

در حوزه شبه نظامی و امنیتی طیفی از اقدامات و عملیات از نوع نرم تا نیمه سخت را شامل می‌شود و با هدف‌گذاری بازدارندگی و تهاجمی صورت می‌پذیرد. این ماموریت با اصطلاح عملیات ویژه، اخلال‌گری، ربایش و حتی کودتا را در بر می‌گیرد. عملیات ویژه شامل اقداماتی چون بمب گذاری، تخریب، عملیات بیولوژیکی و شیمیایی و حتی تشعشعات هسته‌ای در راستای حذف فیزیکی یا تخریب یا آسیب به نقطه قوت حریف یا رقیب انجام می پذیرد. در واقع عملیات شبه نظامی و امنیتی حوزه تهاجم غیر محسوس به نقاط مهم و حتی حیاتی رقیب برای از دسترس خارج کردن آن و کاهش تهدید محیط خودی نسبت به آن نقطه قوت است. (جوادی و مهدی زاده، ۱۳۸۵: ۳۸۱) در شکل زیر سطوح تهاجم اطلاعاتی به همراه مصادیق عینی آن ترسیم شده است:

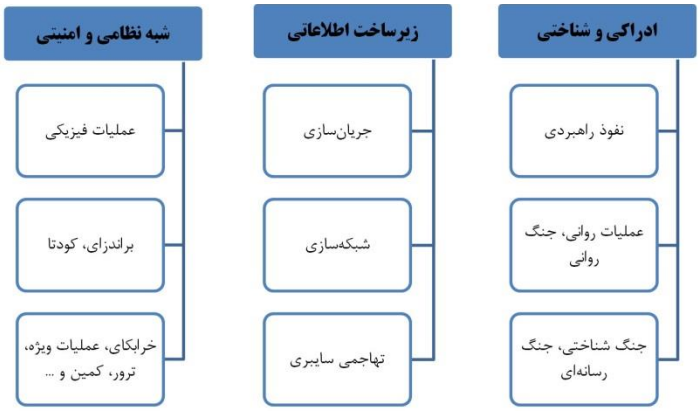

یافته‌های پژوهش

در ذیل یافته‌های پژوهش در قالب عناوین زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد:

منابع دینی و تهاجم اطلاعاتی

بی شک برای استنباط مسائل و موضوعات نو رجوع به منابع دینی ضرورت خواهد داشت. برای فهم نسبت تهاجم اطلاعاتی به مثابه یک موضوع نو با شریعت باید مسائل تهاجم اطلاعاتی را به منابع دینی عرضه کرد. ابتدایی ترین سوال این است که منابع دینی چه می تواند باشد؟ در فقه

شیعی منابع اجتهاد برای استخراج احکام نو را «قرآن»، «سنت»، «عقل» و «اجماع» معرفی کرده اند (جناتی ۱۳۷۰: ۲۴) از هر یک از منابع فوق می توان برای دستیابی به مسئله مورد نظر استفاده کرد. البته علاوه بر منابع اصیل چهار گانه از برخی اصول فقهی که با عنوان «قواعد فقه سیاسی یا امنیتی» و « قواعد اصولی» نیز می توان بهره گرفت منظور از قواعد فقه «اصلی کلی است که به واسطه ادله شرعیه ثابت شده و خود بر مصادیقش همچون اطباق کلی بر مصادیقش منطبق می شود. لذا قواعد فقهی با سه ویژگی می تواند بکار آید: ۱. اصلی کلی است گرچه در مواردی ممکن است استثناء هم خورده باشد، ۲. به وسیله ادله شرعی اعم از آیه، روایت، عقل و اجماع فقهاء ثابت شده ۳. بدون واسطه بر مصادیق خود منطبق است(فیاض، ۱۴۲۲:ج۱: ۸). برخی قواعد اصولی نیز می تواند بکار گرفته شود «قواعد اصولی با واسطه قرار گرفتن به استنباط حکم شرعی از سوی مجتهد کمک می کند و ابزاری است که مجتهد برای استنباط خود از آن بهره می برد.» (شریعتی،۱۳۸۷: ۳۱) حال باید دید در مجموع منابع دینی چه ظرفیت هایی برای عرضه تهاجم اطلاعاتی وجود دارد. برای این منظور ابتدا از تعریف تهاجم اطلاعاتی آغاز می کنیم یعنی باید دید پس از روشن شدن معنا و مفهوم تهاجم اطلاعاتی که در قسمت های پیشین طرح گردید چه مسائل نزدیک به تهاجم اطلاعاتی را از متون دینی استخراج کرد.

جواز تهاجم اطلاعاتی در متون دینی

چنانچه پیشتر اشاره شد تهاجم اطلاعاتی را ««نوعی حمله پیش‌دستانه به چرخه اطلاعاتی منتج به تصمیم‌سازی دولت/سازمان‌های متحد، مؤتلف، رقیب یا متخاصم که به هدف مدیریت ادراک و تغییر محاسبات آن، زمین بازی را مطابق منافع خودی طراحی می‌کند و به تغییر رفتار طرف مقابل به شکل اتخاذ تصمیم مطلوب مهاجم بیانجامد» تعریف کردیم . در تعریف فوق چند نکته حائز اهمیت است:

حمله پیش دستانه به چرخه اطلاعاتی متنج به تصمیم گیری دولت متحد، مؤتلف، رقیب، حریف یا دشمن،

مدیریت ادراک و برداشت و تغییر محاسبات،

طراحی زمین بازی مطابق با منافع خودی،

تغییر رفتار طرف مقابل در راستای منافع خودی،

در تعریف فوق تهاجم اطلاعاتی نسبت به چند طیف مخاطب ارائه شده است دولت متحد، دولت موتلف، دولت رقیب، دولت حریف و دشمن. در یک تقسیم بندی می توان جوامع مورد تعامل دولت اسلامی را در چهار سطح مورد شناسایی قرار داد. اول دولتهای اسلامی است، دوم ارتباط دولت اسلامی با موحدان از سایر ادیان، یعنی یهودیان و مسیحیان خواهد بود سوم «روابط با غیر موحدان از کفار که درصدد توطئه علیه دولت اسلامی نیستند»، می باشد(جوادی آملی،۱۳۹۱: ۱۳۵) قرآن کریم درباره تعامل با کفار غیر محارب می فرماید: « لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ»(ممتحنه،۸) می توان گفت به قیاس اولویت وقتی خداوند اجازه تعامل با کفار غیر محارب را اذن فرموده اند، تعامل با سایر موحدان و مسلمانان به طریق اولی ماذون خواهد بود. چهارم کفاری که در صدد توطئه و استیلا بر دولت اسلامی هستند.

و از آنجایی که خداوند نسبت به مسلمانان، موحدان و حتی غیرموحدان از کفار که غیر محارب بوده و با دولت اسلامی معاهَد هستند، شرط وفای به عهد و عقد را ضروری دانسته است، اگر تهاجم اطلاعاتی سبب نقض عهد یا عقد شود باید با اذن حاکم شرع باشد ولی نسبت به دولتهای کفری که در صدد توطئه و استیلا هستند می تواند بصورت ابتدایی بکارگیری شود. چنانچه خداوند تبارک و تعالی نسبت به کفار بارها از کلمه مکر و کید استفاده کرده است(نمل،۵۰)

البته اگر تهاجم اطلاعاتی نسبت به سایر دولتهای اسلامی، دولتهای سایر موحدان و حتی کفاری که در صدد توطئه نیستند موجب نقض عهد یا عقد نشود بعید است که مورد اشکال باشد. مثلا تهاجم اطلاعاتی نسبت به سایر دولتهای اسلامی بدون نقض عهد یا عقد موجب بیشینه سازی منافع برای دولت اسلامی یا امت اسلامی گردد.

امکان عقلی و وقوعی مدیریت برداشت و ادراک

نکته دیگری که تبیین آن ضرورت دارد امکان سنجی مدیریت ادراک و برداشت است. قرآن کریم در داستان حضرت موسی و ساحران به نکته ای ظریف و دقیقی اشاره می کند که می تواند در بحث حاضر استفاده شود قرآن کریم حادثه را این گونه نقل می کند *« قَالُوا يَا مُوسَى إِمَّا أَنْ تُلْقِيَ وَ إِمَّا أَنْ نَكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَلْقَى ؛ قَالَ بَلْ أَلْقُوا فَإِذَا حِبَالُهُمْ وَ عِصِيُّهُمْ يُخَيَّلُ إِلَيْهِ مِنْ سِحْرِهِمْ أَنَّهَا*

تَسْعی، فَأَوْجَسَ فِی نَفْسِهِ خِیفَةً مُوسی »(طه،۶۵-۶۷)(ساحران) گفتند: ای موسی! آیا تو (ابتدا عصای خود را) می‌افکنی یا ما اوّل کسی باشیم که بیفکند؟! (موسی) گفت: بلکه شما بیفکنید. پس (همین که آنان بساط خود را افکندند) ناگهان طناب‌ها و عصاهای آنان در اثر سحرشان چنان به نظر او (موسی) آمد که حرکت می‌کنند! پس موسی(ع)در قلبش نگرانی احساس کرد.

در این واقعه قرآن کریم نقل می کند که ساحران با سحر خود توانستند قوه خیال تماشاگران را درگیر کنند که تصور کنند طنابها در جنب و جوش هستند تا جایی که حضرت موسی نیز دچار اضطراب شد! صاحب تفسیر «احسن الحدیث» ذیل این آیه اشاره می کند که سحر ساحران ریسمان ها و چوبدستی ها را مبدل به شیء متحرک نکرد بلکه به خیال موسی چنین آمد و در چشم آنها چنین دیده شد.(قرشی،۱۳۷۷: ذیل آیه) یعنی به شکلی در ادراک و برداشت مخاطب مداخله کردند که از واقعه بیرونی مقصود آنان برداشت شد.

از مواردی که می توان به مدیریت ادراک و برداشت دشمن در تهاجم اطلاعاتی استناد کرد، حادثه فتح مکه است که مدیریت صحنه را شخص پیامبر اکرم بر عهده داشته اند. یعنی سنت رفتاری پیامبراکرم حکایت از جواز مدیریت ادراک و برداشت در جهت تاثیرگذاری بر تصمیم گیران نهایی جبهه کفر در مقابل پیامبر اکرم می باشد. وقتی لشکر اسلام به مرالظهران رسید، پیامبر خدا فرمان داد تا هر کدام از لشکریان آتش بیفروزند. از این رو ده هزار شعله آتش پیرامون مکه، مکیان را، که از حرکت مسلمانان کاملاً بی‌خبر بودند، غافلگیر کرد. بنابراین آنان ابوسفیان و دو تن دیگر از سران قریش را برای تجسس و بررسی اخبار فرستادند. وقتی این افراد، لشکر اسلام و نفراتشان را بر فراز کوهی دیدند، به شدت وحشت کردند و از این رو اردوگاه مسلمانان را چون ایامی که حاجیان به مکه می‌آیند، بزرگ و شلوغ شمردند. (واقدی، ۱۴۰۹ق، ج۲، ص۸۱۴) بالأخره ابوسفیان صبحگاه فتح ، اظهار اسلام کرد و پیامبر به خواست عمویش، عباس، به ابوسفیان پناه داد. (ابن ابی شیبه، بیتا، ج۱۴، ص۴۷۵) پیامبر به عباس سفارش کرد ابوسفیان را در مسیر در شکافی بر بلندای کوه نگه دارد تا عظمت سپاه اسلام را به خوبی ببیند. از این رو با این کار وحشتی از لشکر اسلام در دل او جای داد و اعتماد به نفس و تمرکزش را برای هرگونه اندیشه مقاومت از او گرفت؛ چراکه با دیدن هر گروه از مسلمانان که از مقابلش رد می‌شد، از فرمانده و قبیله‌شان می‌پرسید و از تنوع قبایل مختلف عرب که با رسول خدا ضد قریش متحد شده بودند، تعجب

مـی‌کـرد. هنگـامی کـه هنـگ سـبز (کتیبـۀ الخضـراء) کـه مهـاجر و انصـار پوشـیده از سـلاح رسـول‌الله بودنـد و آن حضـرت را در میـان گرفتـه بودنـد از مقـابلش گذشـتند، ابوسـفیان گفـت: «این‌چنین هنگی را نه دیده بودم و نه وصفش را شـنیده بـودم. ای عبـاس! پادشـاهی پسـر بـرادرت بالاگرفته. نام سبز برای سلاح بسیاری بود که نیروهای این هنـگ بـه کـار گرفتـه بودنـد. (واقـدی، ۱۴۰۹ق، ج۲، ص۸۱۸ و ۸۲۱؛ ابن هشام، بی‌تا، ج۲، ص۴۰۴) این سیاست آن‌چنان کارگر افتاد کـه ابوسفیان پس از تماشای قدرت لشکر اسلام، خود پیش‌تر از مسلمانان وارد مکه شد و فریاد مـی‌زد هرکس در خانه بماند، در امان است. وی قریشیانی که به دورش جمع شـده بودنـد را ترسـاند و بـا سخنان خود ریشه هرگونه مقاومت را در دل اکثر مکیان خشکاند؛ چراکه به آنان گفـت محمـد بـا لشکری عظیم آمده است که غرق در سلاح است و هرگز توانایی ایستادگی در مقابلش را ندارید؛ پس جانتان را نجات دهید و تسلیم شوید. (واقدی، ۱۴۰۹، ج۲، ص۸۲۴)

جالب آنکه پیامبر اکرم برای اعتبار بخشی ادراک ابوسـفیان از قـدرت لشـکریان اسـلام، خانـه ابوسفیان را در کنار خانه کعبه ملجأ و پناهگاه متقاعـدین از جنـگ قـرار مـی دهـد. در ایـن حادثـه «طراحی زمین بازی مطابق با منافع خودی» و «تغییر رفتار طرف مقابل در راستای منافع خودی» نیـز بطور ملموس مشاهده می شود. به شکلی که زمین طراحی شده توسط نبی اکرم منافع حداکثری را برا مسلمانان و در راستای اهداف آنان محقق می کند.

آنچه بطور ملموس از مباحث پیش گفته استنتاج می شـود سـطح اول تهـاجم اطلاعـاتی یعنـی «سطح ادراکی و شناختی» با مصادیق آن در ذیل تبیین تعریف، مندرج شده است لـذا در ادامـه بـه سطح دوم تهاجم اطلاعاتی یعنی « زیرساخت اطلاعاتی» می پردازیم.

زیر ساخت اطلاعاتی

منظور از زیر ساخت اطلاعاتی طراحی جریان سازی و طراحی شبکه در راستای حداکثر سازی منافع است. لذا تلاش هدفمند برای ایجاد سازمان، نهاد و گروههـای مـورد حمایـت و حلقـه هـای ارتباطی برای انتصاب در پستهای کلیدی و حتی تلاش بـرای ایجـاد جنبشـهای فکـری و اجتمـاعی برای دستیابی به اهداف بدون مداخله مستقیم ذیل زیر ساخت اطلاعاتی تعریف می‌شود.

مدل توسعه اصل اسلام در فضای سنگین کفر و شرک را می توان از جنس جریان سازی تحلیل کرد. وقتی تلاشها برای شکل دادن هسته اولیه اسلام در مکه بخاطر حضور قدرتمند سران قریش به بن بست می رسد پیامبر اکرم سعی می کنند در فضایی بیرون از مکه جریان سازی را آغاز کنند. اولین هسته جریانی در فرصت ایام حج که مردم به مکه می آیند و پیامبر سعی می کند از این فرصت استفاده کند در پیمان عقبه صورت می گیرد. چند نفر از مردم یثرب که جسته و گریخته حرف هایی درباره اسلام شنیده اند مخفیانه و شبانه در محلی بنام عقبه(گردنه) در کوههای منا با پیامبر اکرم به اسلام می پیوندند و تعهد می کنند که از دستورات پیامبر اطاعت کنند. این اولین هسته مسلمانان در بیرون مکه است.(ابن شهر آشوب۱۴۱۲ج۱: ۱۱۲) اهمیت این پیمان از آن جهت است که دقیقا یک سال بعد در پیمان عقبه دوم هفتاد نفر با پیامبر اکرم بیعت می کنند ولی این بار مفاد پیمان نه اعتقادی، بلکه پیمان دفاعی- امنیتی مبنی بر دفاع از پیامبر اکرم می بندند که پایه شکل گیری دولت نبوی در مدینه منوره می شود

در سیره رفتاری معصومان نیز بخصوص در عصر عباسیان که فضای امنیتی شدیدی بر تعاملات ائمه معصومین حاکم است، می توان رگه هایی از زیر ساخت اطلاعاتی مشاهده کرد. این زیر ساخت در قالب «شبکه توکیل» صورتبندی شده بود. شبکه توکیل به ویژه پس از عصر صادقین (علیهم السلام) که فضای نسبی باز سیاسی رو به تنگی گذارده بوده بیشتر نمود پیدا می کند. پیشوایی آورده است که امام جواد (علیه السلام) در سراسر قلمرو حکومت خلیفه عباسی، کارگزارانی وکلایی را اعزام می کرد و با فعالیت گسترده آنان از تجزیه نیروهای شیعه جلوگیری می شد. کارگزاران امام در بسیاری از استانها مانند: اهواز، همدان، سیستان، ری، بصره، واسط، بغداد و مراکز سنتی شیعه یعنی کوفه و قم پخش شده بودند(پیشوایی،۱۳۹۴: ۵۵۹). مرحوم «کلینی» نقل می کند که حضرت جواد، بنا به درخواست یکی از شیعیان بُست و سیستان، طی نامه ای به والی این منطقه سفارش کرد که در اخذ مالیات، بر او سخت نگیرد. والی که از پیروان امام بود، نه تنها بدهی او بابت خراج را نگرفت، بلکه اعلام کرد تا آن زمان که بر سرکار است او را از پرداخت خراج معاف خواهد کرد. علاوه بر این دستور داد برای او مستمرّی نیز تعیین کردند! (کلینی،۱۴۹۴ج۵: ۱۱۱)

اگرچه شبکه سازی در عصر معصومین با هدف ویـژه اطلاعـاتی صـورت نپذیرفتـه اسـت ولـی حفظ، مدیریت و تامین فکری و مالی اقلیت حامیان معصومین در دوره ای که خشن ترین دشـمنان اهلبیت یعنی عباسیان بر اریکه قدرت نشسته اند می توانسته فعالیتی امنیتـی محسـوب گـردد. نمونـه دیگر «علی بن یقطین» از شیعیان خاص ائمه معصومین در دستگاه حکومتی عباسیان است وی ابتـدا از کارگزاران مهدی عباسی و در سمت دیوان امور بوده است در دوره هادی عباسی انگشتر و مهر خلافت به او سپرده شد و از نزدیکان هارون الرشید بوده است.(ابـن شـهر آشـوب۱۴۱۲ج۱: ۱۱۲) ورود او به دستگاه خلافت عباسیان به دستور امام کاظم بوده است تا جایی که بارها درباره ارتبـاط او با امام کاظم نزد هارون الرشید بدگویی شد ولی در اثر تدبیر امام و رفتار تقیه گونه او آسیبی بـه او نرسید.(خویی،۱۴۱۳ق، ج۱۳: ۲۴۲) همچنین در روایتی آمده است کـه «عبـاس قبـل از فـتح خیبـر اسلام آورده بود اما مسلمانی خود را پنهان می داشت... و اخبار مربوط به مشرکین را برای پیـامبر مـی نوشت و مسلمانان به واسطه وجود او در مکه تقویت می شدند و دوست می داشت که به نـزد رسـول الله برود، پیامبر به او نامه ای نوشت و فرمود "ماندن تو در مکه بهتر است"»(قرطبی۱۴۱۲ج۳: ۹۵)

ساخت سایبری

بدیهی است که حوزه سایبر از تحولات دوره مدرن است و نباید متوقع بود که بتوان در سـنت دینی چیزی در حوزه سایبری یافت. البته می توان جنس کارکرد یا نقش سـاخت سـایبری را منـابع دینی مورد کنکاش قرار داد. به همین منظور باید دیـد مهـم تـرین کـارکرد سـاخت سـایبری بـرای چیست؟ همان گونه که در طلیعه بحث بدان پرداخته شد منظور از «تهاجم سایبری» نه جمع آوری داده بلکه تاثیر گذاری بر مخاطب برای تغییر هدف تعریف شد.

حال باید دید در منابع دینی چنین هدفگذاری مسبوق به سابقه هست یا خیر؟ یعنی ایا می تـوان مواردی را یافت که اشاعه خبر یا داده با هدف تاثیرگذاری بر مخاطـب بـرای تغییـر هـدف انجـام شده باشد و آیا اصولا چنین چیزی به لحاظ اعتقادی و دینی صحیح است؟ شاید بهتـرین مسـتندی که بتوان برای این مسئله ارائه کرد حدیثی است که عدی بن حاتم که در جنگ صفین با حضـرت علی علیه السلام بوده ارائه کرد. عدی می گوید: «روزی که امام علیه السلام و معاویه لعنه الله علیـه در صفین رو در روی یکدیگر قرار گرفتند، با صدای بلند به اصحاب خود فرمود: «بخدا سوگند بـا

معاویه و یاران او می جنگیم» . در پایان کلامش آهسته فرمود: «ان شاء الله» من که نزدیک حضرت بودم عرض کردم یا امیرالمومنین شما درباره آنچه که گفتی سوگند یاد کردی، آنگاه برای انجام آن استثناء قائل شدی، منظورت چه بود؟

حضرت فرمود جنگ یعنی نیرنگ و من نزد مومنین دروغگو نمی باشم، لذا قصد داشتم که یاران خود را علیه دشمن تهییج کنم تا اینکه سست نشوند و بر دشمن طمع پیدا کنند. این موضوع را خوب بفهم که بعدها از آن بهره می بری إن شاء الله. و بدان که خداوند عزوجل هنگامی که موسی را به سوی فرعون روانه کرد به او فرمود: «فقولا له قولا لیناً لعله یتذکر او یخشی» با اینکه خدا می دانست که فرعون نه متذکر می شود و نه می ترسد! اما آنگونه سخن گفت تا موسی بر رفتن تشویق کند» (حرالعاملی۱۴۰۹:ج۱۱: ۱۰۲) در این حدیث نشر خبر برای تغییر ذهن مخاطب برای هدف خاص انجام شده است. نکته مهم اینکه حضرت علی علیه السلام، برای جواز استناد به چنین هدفی به آیه قرآن کریم استناد می کند که ناظر به تهییج حضرت موسی از جانب خداوند برای حضور در نزد فرعون است. همچنین در جریان جنگ احزاب «نعیم بن مسعود» که تازه مسلمان شده بود و قبیله «غَطَفان» از اسلام او آگاه نبودند، خدمت پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) رسید و عرض کرد هر دستوری بدهید برای پیروزی نهائی به کار می بندم. پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «مانند تو در میان ما یک نفر بیشتر نیست؛ اگر می توانی در میان لشگر دشمن اختلاف بیفکن که جنگ مجموعه ای از نقشه های پنهانی است!» (حمیری المعافری، بی تا:۴۴۳ به نقل از مکارم شیرازی، ۱۳۸۹: ۱۰۷) روایت دیگری که در مستدرک نقل شده حضرت علی علیه السلام فرموده اند که:« پیامبر فرمود: "دروغ جایز نمی باشد مگر در سه وقت... تا آنجا که فرمود: دروغ گفتن پیشوا به دشمن، زیرا که جنگ یعنی نیرنگ"»(نوری۱۴۰۸ج۱۱: ۱۰۳) در حدیث نبوی هم می توان از مصادیق تغییر هدف دشمن از طریق اشاعه نادرست را مشاهده کرد. آنجایی که خدعه برای اغفال دشمن باشد را صحیح دانسته اند.

سطح شبه نظامی و امنیتی

شاید از صریح ترین مواردی که در منابع دینی می توان مصادیقی برای تبیین تهاجم اطلاعاتی استخراج کرد سطح شبه نظامی و امنیتی است. ممکن است دلیل این موضوع تاکتیکی و عملیاتی

تر بودن این سطح نسبت به دو سطح پیش گفته باشد. چنانچه پیشتر اشاره شد، تهاجم شبه نظامی و امنیتی طیف وسیعی از اقدامات نرم تا نیمه سخت را شامل می شود. در اینجا منظور از عملیات سخت اقدام رسمی نظامی یعنی جنگ است. پس اقدام نیمه سخت را مجموعه اقدامات زیر آستانه جنگ رسمی تحدید می کنیم.

یکی از موارد مهم عملیات شبه نظامی عملیات فیزیکی است که منظور تغییر در فیزیک محیط خارجی است و بیشتر با اصطلاح عملیات ویژه شناخته می شود. لذا هر عملیات ویژه در محیط خارجی با هدف بر هم زدن وضعیت فیزیکی یدیده مورد نظر انجام می شود که ممکن است از سلاح و ابزارهای نظامی بطور محدود بکار گیری شود. حتی گاهی برخی از مصادیق عملیات ویژه ممکن است ذیل عملیات براندازی تعریف شود مثلا اگر ترور شخصی منجر به سقوط یک دولت یا نظام سیاسی یا تضعیف آن شود، ترور ذیل عملیات براندازی تعریف می شود.

عملیات ویژه

همچنان که تاکید شد در سطح شبه نظامی و امنیتی ذیل عملیات ویژه مجموعه ای از اقدامات قرار می گیرد که از ترور در یک طرف طیف تا براندازی و خرابکاری را شامل می شود. اما مهم ترین وجه عملیات ویژه «ترور» است . چرا که مسئله گرفتن جان انسان در میان است. به لحاظ فقهی نیز شارع مقدس در خصوص جان انسانها حداکثر احتیاط را شرط کرده است. به شکلی که قاعده مشهور فقهی «احتیاط در دماء» یکی از قواعد مهم حقوقی اسلام قرار داده شده است (کلانتری،۱۳۹۵: ۱۲۹) به همین جهت درصورت اثبات مشروعیت ترور در برخی شرایط خاص ممکن است بتوان با استناد به قاعده «قیاس اولویت[1]» سایر موارد اقدام ویژه را نیز اثبات کرد.

اما منشأ دیگری که زمینه نگاه منفی به ترور شده است کثرت اتفاقات از ترور در محیط جوامع اسلامی می باشد. طی دو دهه اخیر با گسترش گروههای منتسب به اسلام که عمدتا گرایشهای تند سلفی داشته اند، عملیات های ترور نیز به شدت شیوع یافته است. گسترش عملیات های تروریستی که بیشتر آنها کور و انسانهای عادی مورد حمله قرار گرفته اند زمینه‌ای شده است تا واژه ترور و تروریسم از ماهیت عملیات ویژه به شیوه متداول گروههای تروریستی تبدیل شود. اکنون نیز کمتر روزی است که اخبار منطقه ای خبری از عملیات تروریستی منتشر نشود. بیشتر قربانیان این

۱. هو القیاس الذی یکون علة الحکم فیه فی الفرع اقوی و آکد منها فی الاصل (حائری اصفهانی۱۴۰۴ق: ۳۸۶)

عملیات‌های تروریستی نیز متاسفانه افراد عادی، کودکان و زنان بوده‌اند این وضعیت معنای ترور را متحول کرده و در معنای جدید تکون یافته است. (بروجردی،۱۳۹۶: ۲۰) اما اصطلاح ترور در عملیات ویژه کارکرد متفاوتی دارد و اصطلاحاً ناظر به عملیات شبه نظامی خاص و با اهداف خاص برای هدف حذف رهبر یا مقامات دولتی خاص یا خائنان به کشور انجام می‌شود. شاید اصطلاح عربی تفاوت ترور با تروریسم را روشنتر نشان دهد. در زبان عربی ترور برای اهداف سیاسی تهاجمی را «اغتیال» یا «فتک» می‌گویند و برای تروریسم کور از کلمه « ارهاب» استفاده می‌کنند.

بنا به اشتراک لفظی در فارسی برخی «ترور» در اسلام را نفی کرده اند. مستند آنان برخی احادیثی است که در مجامع حدیثی شیعه آمده است. مثلاً کدیور با استناد به حدیثی منسوب به پیامبر اکرم که فرموده اند: «الاسلام قید الفتک» و «الایمان قید الفتک» (کلینی، ۱۳۷۲ج۷: ۳۷۵) معتقد شده اند که در اسلام هرگونه عمل ترور نهی شده است .(kadivar.com)

برخی روایت مذکور را بخاطر اینکه در سند حدیث ابوهریره آمده است را ضعیف دانسته اند. (محمدی ریشهری، ۱۳۸۷ج۹: ۴۵۰۸)

البته می توان از منظر دیگری نیز حدیث را تفسیر کرد. حدیث مذکور به فرض صحت سندی ممکن است از ترور بدون علت و با انگیزه های شخصی منع کرده باشد. با ادبیات فقهی ممکن است «عموم حدیث» فوق از طرق دیگری تخصیص بخورد. مثلا سیره نبوی دلالت می کند در برخی موارد پیامبر اکرم برخی افراد را بخاطر برخی أعمال «مهدور الدم» معرفی کرده و فرموده اند هرکس که به او دسترسی بیابد او را بکشد. مثلا کعب بن اشرف شاعر جاهلی و از یهودیان بنی نضیر بود. وی پیامبر(ص) و یارانش را هجو و مشرکان را علیه مسلمانان تحریک و کمک می‌کرد. کعب متعرض زنان مسلمان می‌شد، اشرف در شعرهایش به بدی از زنان پیامبر (ص)نام می‌برد. و اشعاری را درباره زنان مسلمان می‌سرود و در آنها مسائل پنهانی آنها را در قالب شعر عرضه می‌کرد، و در واقع یک عیش زبانی را پدید می‌آورد. در حالی که یهودیان بنی نضیر، با پیامبر(ص) پیمان صلح بسته بودند که به دشمنان هم کمک نکنند. مجازات هر کس که از این پیمان چه به صورت انفرادی و چه جمعی سرپیچی می‌کرد، جنگ و مرگ بود (دموعش عاملی؛۱۳۸۲ ۲۸۰). جابر بن عبدالله می‌گوید: «پیامبر(ص) فرمود: چه کسی به سراغ کعب بن اشرف می‌رود؟ او خدا و پیامبرش را آزرده است. محمد بن مسلم عرض کرد: یا رسول الله دوست

داری او را بکشم؟ حضرت (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلّم) فرمود: بله. محمد بن مسلم به نزد کعب رفت و گفت: این مرد (پیامبر) (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلّم) از ما درخواست زکات می‌کند و ما را به زحمت می‌اندازد، خدا او را محزون کند. ما الان از او پیروی می‌کنیم و دوست نداریم او را رها کنیم تا این که ببینیم وضع او چه می‌شود؟ او همین طور صحبت می‌کرد تا این که بر کعب غالب شد.» (ابن کثیر دمشقی۱۴۰۷ق: ۳۷۲) در منابع تاریخی و مجامع حدیثی موارد دیگری از ترور ذکر شده است مانند ترور«ابن ابی الحقیق»، «ابی عفک»، «سفیان بن خالد»، «ابن سنینه» و موارد دیگری که نیاز به «فقه الحدیث» و تدقیق در مصادر و روایان آن دارد.

بدین صورت، می توان نتیجه گرفت در منابع اسلامی، «اغتیال» و «فتک» با «ارهاب» امری کاملا متفاوت است. و اصطلاح ترور برای ترجمه همه این مفاهیم دقیق نمی باشد. ترور به معنای اولیه آن در صورتی جایز است که با اذن حاکم شرع بوده باشد لذا ترور خودسر و بدون اذن شارع ممنوع است. همچنان که ترور به معنای ارهاب یعنی ترور کور افراد عادی مثل کاری که برخی تکفیریهای معاصر انجام می دهند مطرود است. نمونه امروزین اذن حاکم شرع در فتوای امام خمینی در مهدور الدم بودن سلمان رشدی می توان یافت. مقام معظم رهبری نیز در ایجاد تفکیک بین این مقولات فرموده اند: «آن روزی که پیامبر (ص) دستور داد که آن افراد را ترور کنند، در گوش کسی نگفت، علنا گفت که هر کس هند را پیدا کرد، او را بکشد. هر کس فلان بن فلان را پیدا کرد، او را بکشد. امام (قدس سره) گفت: هر کس سلمان رشدی را پیدا کرد، او را بکشد. امروز هم رهبری اگر بر طبق احکام اسلام یک جا تکلیفش اقتضا کند، علنی خواهد گفت؛ مخفیانه و درگوشی نیست»(مقام معظم رهبری،۷۹/۱/۲۶)

براندازی و تضعیف از درون

امروزه از مصادیق مهم اقدام شبه نظامی و امنیتی که ذیل تهاجم اطلاعاتی طرح می شود، می توان به براندازی و تضعیف از درون اشاره کرد. که خود می تواند دارای اقسام و شیوه‌های مختلف باشد. در منابع دینی، اصطلاحات و ادبیات امروزین مثل کودتا، براندازی و ... وجود ندارد چرا که این ادبیات محصول زیست مدرن است ولی به لحاظ کارکردی می توان مواردی را اشاره کرد که نتیجه و کارکرد خروجی مشابه براندازی و ... را به‌دست دهد.

بصورت مصداقی تر نیز برخی روایات ممکن است بر این عرصه دلالت داشته باشند. روایتی از محمد بن ادریس نقل شده که گفته است: «محمد بن علی بن عیسی نامه ای به ابالحسن علی بن محمد نوشت مبنی بر اینکه آیا به استخدام بنی العباس در آمدن و در اینکه در دستگاه حکومتی آنان به اندوخته ای دست پیدا کنیم چه اشکالی دارد؟ حضرت در پاسخ فرمود: "اگر استخدام شما به اجبار و زور بود پس خداوند در این مورد عذرتان را می پذیرد وگرنه کارشما ناپسند و غیر موجه است... در جواب حضرت من نامه ای نوشتم و آن حضرت را مطلع کردم که به استخدام در آمدن من در امور حکومتی به این جهت است که دشمن را مستأصل کرده و او را دچار زحمت کنم و به نوعی شیوه خاصی بکار می برم که به ظاهر راهگشای امور آنان است لکن در واقع ضربه زدن به آنان است و این کار موجب نزدیکی من به آنان می شود. حضرت فرمود: هرکس که چنین برنامه و شیوه ای را پیاده کند، نه تنها به استخدام در آمدن درامور آنان حرام نیست بلکه مزد و پاداش هم دارد(حرعاملی۱۴۰۹:ج۱۲: ۱۳۷) در این روایت بکارگیری کارهایی که در ظاهر تقویت دولت ظلم است ولی در نهان باعث تضعیف دولت ظلم می شود موجب مزد و پاداش الهی معرفی شده است. ناظر به تضعیف دولت و براندازی از دورن که در روایت پیشین بدان اشاره شده است توجه به این نکته ضروری است که اخیراً «دستور العمل خرابکاری ساده» از محرمانگی اسناد سازمان سیا خارج شده است. این دستور العمل برای عوامل نفوذی امریکا در شوروی تهیه شده که هدف آن «خرابکاریهای ساده» ولی کارامد برای فروپاشی سیستم شوروی در نظر گرفته شده است. در این دستور العمل به کارهای ساده ای اشاره کرده که یک نفوذی می تواند حتی در قالب خدمت به کشور انجام دهد ولی در نهایت باعث تضعیف و براندازی دولت شوروی می شود. دستورالعمل شامل ده ها دستور العمل ساده است که می تواند سیستم را متلاشی کند مثلا: « ۱.هنگامی که کار مهمی برای انجام وجود دارد، جلسات متعدد برگزار کنید. ۲.مواد با کیفیت بالا را سفارش دهید که به سختی به دست می آیند. ۳. اگر در مورد آن بحث نمی کنند؛ هشدار دهید که مواد نامرغوب به معنای کار پایین خواهد بود.۴. تا زمانی که ذخایر فعلی شما عملاً تمام نشده است، مواد کار جدید سفارش ندهید، تا کوچکترین تاخیر در تکمیل سفارش شما به معنای تعطیلی باشدو...» پس می توان این دست خرابکاری های ساده را نیز در قالب براندازی و تضعیف از دورن برشمرد که یکی از سطوح عملیاتی تهاجم اطلاعاتی محسوب می شود.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش سعی شده است رویکرد تهاجمی به اطلاعات با متون دینی امکان‌سنجی شود. تهاجم اطلاعاتی به عنوان شیوه نوین در سیستم اطلاعاتی کشورها است که باید زوایا و ابعاد آن تئوریزه و تبیین و عملیاتی شود. یکی از مسائل مهم در تبیین تهاجم اطلاعاتی نسبت سنجی ان با شریعت مقدس اسلام است چرا که جمهوری اسلامی نظامی مبتنی بر شریعت مقدس اسلام می باشد. چنانچه در متن پژوهش آمد، نسبت سنجی تهاجم اطلاعاتی با شریعت مقدس اسلام نیازمند بحثی عمیق و اجتهادی به سان مباحث عمیق حوزوی است و از آنجا که تهاجم اطلاعاتی بحثی نو در حوزه اطلاعات و امنیت است نیازمند روشن شدن ابعاد و مولفه ها و به تعبیر این قلم، امکان سنجی بحث تهاجم اطلاعاتی در منابع دینی است. لذا پژوهش حاضر به عنوان طلیعه ای برای طرح تهاجم اطلاعاتی در مجامع اجتهادی است و می تواند در این مسیر راهگشا باشد. در این راستا، ابتدا معنا و مفهوم تهاجم اطلاعاتی از منابع محدود به‌دست آمد که تهاجم اطلاعاتی را «نوعی حمله پیش‌دستانه به چرخه اطلاعاتی منتج به تصمیم‌سازی دولت/سازمان‌های متحد، مؤتلف، رقیب یا متخاصم که به هدف مدیریت ادراک و تغییر محاسبات آن، زمین بازی را مطابق منافع خودی طراحی می‌کند و به تغییر رفتار طرف مقابل به شکل اتخاذ تصمیم مطلوب مهاجم بیانجامد» تعریف کردیم. سپس ابعاد، مولفه ها و مسائل مهم تهاجم اطلاعاتی تبیین گردید و در گام بعدی از تعریف تهاجم اطلاعاتی گرفته تا تاکتیک‌های تهاجم اطلاعاتی با منابع و متون دینی نسبت سنجی گردید. و حاصل آن اینکه تهاجم اطلاعاتی به عنوان یک مکتب جدید در حوزه اطلاعات می تواند یک ریشه دینی و تشریعی نیز داشته باشد تهاجم اطلاعاتی به عنوان حمله پیش دستانه با هدف مدیریت ادراک و برداشت در متون دینی نمونه های تاریخی داشته است و در شریعت مقدس اسلام امکان عقلی چنین مسئله ای طرح شده و پیغمبر اکرم به عنوان مجری شریعت اسلام در برخی حوادث از تهاجم اطلاعاتی برای مدیریت ادارک و برداشت دشمن از این تاکتیک استفاده کرده است. نیز برای هر یک از مولفه ها و ابعاد تهاجم اطلاعاتی در متون دینی می توان مستندات و شواهدی اقامه کرد که در متن پژوهش بدان پرداخته شده است.

فهرست منابع

ابن شهر آشوب، محمد بن علی(۱۴۱۲ق) مناقب آل ابیطالب، دار الاضواء بیروت، تصحیح یوسف بقاعی

ابن کثیر دمشقی (۱۴۰۷ق) أبو الفداء اسماعیل بن عمر، البدایۀ و النهایۀ، ج ۴، بیروت، دار الفکر

بروجردی اشرف (۱۳۹۶) جهاد و ترور در اسلام، نشر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پیشوایی، مهدی (۱۳۹۴) سیره پیشوایان، نگرشی برزندگی اجتماعی سیاسی و فرهنگی امامان معصوم، نشر موسسه امام صادق

تاجیک، هادی و محمدی احسان(۱۴۰۰) درآمدی بر تهاجم اطلاعاتی، مفهوم شناسی نظری و هستی شناسی کارکردگرایانه ، انتشارات دانشگاه جامع امام حسین(علیه السلام).

جناتی، محمد ابراهیم(۱۳۷۰) منابع اجتهاد از دیدگاه مذاهب اسلامی، نشر کیهان تهران

جوادی و مهدی زاده(۱۳۸۵) چرخه عملیات ویژه

حائری اصفهانی محمد حسین،۱۴۰۴، الفصول الغرویۀ فی الأصول الفقهیۀ، قم دار الاحیاء العلوم الاسلامیه.

حرالعاملی، محمد بن حسن(۱۴۰۹ق)وسائل الشیعۀ، مؤسسۀ آل البیت علیهم السلام لإحیاء التراث- قم.

الحمیری المعافری، عبد الملک بن هشام،(بی تا) السیرۀ النبویۀ، تحقیق: مصطفی السقا، ابراهیم الأبیاری، عبد الحفیظ شلبی، دار المعرفۀ، بیروت، ج ۲.

خویی،سید ابوالقاسم(۱۴۱۳ق) معجم رجال الحدیث،ج۱۳، الناشر : مؤسسۀ الخوئی الإسلامیۀ.

دعموش عاملی علی (۱۳۸۲)، دائرۀ المعارف اطلاعات و امنیت در آثار و متون اسلامی، ترجمه غلامحسین باقر مهیاری و رضا گرماب دری، دانشگاه امام حسین(علیه‌السّلام).

شریعتی، روح‌الله(۱۳۸۷) قواعد فقه سیاسی، قم پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

فتحی، محمد و کاظم کوهی اصفهانی(۱۳۹۷) قانون اساسی جمهوری اسلامی، به همراه نظرات تفسیری شورای نگهبان. نشر انتشارات پژوهشکده شورای نگهبان چاپ اول ۱۳۹۷.

فضائلی، علی(۱۳۸۷) نبرد اطلاعاتی، جنگ در عصر اطلاعات فصلنامه اطلاع شناسی، شماره ۱۹.

فیاض، محمد اسحاق(۱۴۲۲ق) محاضرات فی اصول الفقه(تقریرات درس آیت الله خویی) موسسه احیاء تراث الامام الخویی

قرشی، سیدعلی اکبر، تفسیر احسن الحدیث، تهران، بعثت، ۱۳۷۷ش.

قرطبی،یوسف بن عبدالله(۱۴۱۲) الاستیعاب فی معرفۀ الأصحاب، الناشر دار الجیل بیروت الطبعه الاولی.

قمی، علی بن ابراهیم(۱۳۶۳) تفسیر القمی، انتشارت دار الکتاب قم جلد دوم.

کلانتری، عباس(۱۳۹۵) احتیا در دماء و کاربرد آن در حقوق کیفری، فصلنامه حقوق اسلامی شماره ۵۱.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۷۴) اصول کافی، تهران، نشر اسلامیه.

کلینی، محمد بن یعقوب(۱۳۹۴) فروع کافی، انتشارت قدس.

کلینی، محمدبن یعقوب(۱۴۰۵ق) فروع من الکافی ج۵، مصحح غفاری دار الأضواء - بیروت لبنان.

کیانی احسان و تاجیک هادی(۱۴۰۰) مفهوم شناسی رویکرد تهاجمی به اطلاعات، فصلنامه آفاق امنیت شماره ۵۱ تابستان ۱۴۰۰.

محمدی ریشهری، محمد(۱۳۸۷) ج۹، میزان الحکمه، نشر دارالحدیث قم.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۹) مدیریت و فرماندهی در اسلام، ، نسل جوان، قم، چاپ: دوازدهم.

نوری، میرزا حسین(۱۴۰۸) مستدرک الوسائل، موسسه آل البیت الاحیاء التراث، قم.

Waltz. Edward, June 2000, Data Fusion in Offensive and Defensive Information Operations, National symposium of sensor and data fusion.
Woodcock. Alexander, 29 March -2 April 1999, Information Operations in Support of Civil-Military Interactions, Conference Analysis of Civil-Military Interactions.
Zavidniak. Paul, 1999, Achieving Information Resiliency, Information Technology Security Report, Volume 4, Number 3.
Libicki. Martin, 1999, The Changing Role of Information in Warfare, "Strategic Appraisal: The Changing Role of Information in Warfare", Publisher: Rand Corporation.
Stein. Georg, 1996, Information Attack, Information Warfare in 2025, Air War College.
Gabriel. Stefan, (2016), a contemporary military phenomenon in the light of critical infrastructure, the 11th International scientific conference "defense resources management", Romania.
Angel rabasa cheryl benard (2007) Building moderate muslim networks, rand center for middle east public policy.